

مقاله

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سرمدبیر - عبدالرضا ایزدپناه

حوزه‌های علمیه که خاستگاه علمای ربّانی و مرکز تفقه در دین و تدبیر در امور مسلمین می‌باشد، لازم است با درک زمان و توجه به شأن و توقعی که از آنان در حل مشکلات علمی و فکری جوامع و پاسخ‌گویی به اقبال مردم و هدایت آن‌ها دارد، متحول شده و به رفع نواقص و مشکلات پرداخته و برای امور مهم خود را مهیّا سازند.^۱

در این صورت نه دغدغه‌های‌مان با مردم و خواسته‌های درست امت اسلامی و دردهای آن‌ها همراه خواهد بود و نه بسته‌های معنوی، فرهنگی و معرفتی‌مان در مسیر کمال مردم و امت اسلامی قرار خواهد گرفت. عالم دینی اگر زیست‌بومش را درست نشناسد، نه آموزش‌های آن در راه و صراط مستقیم، نه پژوهش‌هایش تراز، نه تبلیغش کارآ و نقش‌گذار خواهد بود.

امروز جوامع از حالت جزیره‌ای و بوم‌زیستی درآمده‌اند، نه تنها جامعه که هر فردی در شبکه جهانی هم گیرنده است و هم نقش‌آفرین؛ بنابراین جهان امروز شبکه‌ای از جوامع در هم تنیده است، اگر بخواهیم فرهنگ و اصالت و استقلال و فرهنگ بومی و دینی‌مان را نگه داریم، بایست آبشخورهای فکری و فرهنگی‌مان را درست بشناسیم و دهانه‌های ورود فرهنگی و معرفتی بیگانه را رصد و دروازه‌بانی کنیم.

امروز بچه‌های ما پیش از آن‌که از فرهنگ و جامعه خویش باشند، شهروند جهانی‌اند! امروز اگر یک فرد را به راه کمال و زیست الهی هدایت کنیم گویا جهانی‌سازی را شروع کردیم، که «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^۲ امروز نه تنها زیست‌بوم وطنی و اجتماعی‌مان در خلوت افراد رنگ باخته است که رنگ و فرهنگ جامعه‌مان را فرآورده‌های

روحانیت برای این‌که وظیفه الهی‌اش را نیک انجام دهند؛ بایست زیست‌بوم جهانی‌اش را به‌درستی بشناسد و بفهمد که در سپهر هستی کجای جهان ایستاده است.

اگر روحانیان زیست‌بوم جهانی‌اش را درست درنیابند هم در انجام رسالت خویش و هم گونه زیست و تلاش صنفی‌شان سرگردان و در برخی موارد به بی‌راهه کشیده خواهند شد. برای این‌که جایگاه جهانی‌مان روشن شود؛ بایست ببینیم کجای جامعه‌مان ایستاده‌ایم و جایگاه روحانیان در جامعه امروز ایران و جهان چگونه است و اندازه سرمایه اجتماعی‌اش را برسنجیم و این کاری بسیار دشوار، ظریف و باریک است. دعوت‌گران دین جهانی اسلام در این دنیا پرشتاب و دگرگون‌پذیر، که هر ساعتی رخدادی نورخ می‌نماید و در زندگی و ساحت جوامع و جهان موجی جدید پدید می‌آورد؛ بایست در همه حال، حرکت جهانی و جامعه خویش را دیده‌بانی کنند و هر روز جایگاه خویش را در این برشدن‌ها و دگرگونی‌ها بررسد و گونه تلاش و دعوت و تبلیغ خود را برسنجد و ببیند هم‌اکنون چه اندازه در میدان عینی و واقعی بوم و جهان‌مان بازی می‌کنیم و نقش‌آفرین هستیم، مباد و صد مباد که ما در جایی ایستاده باشیم و جامعه‌مان در جای دیگر؛

جهانی می‌گیرد؛ بدین‌سان است که جوامع مخاطب مبلغان و داعیان رسالت جهانی اسلام مانند دیروز در قوم، محله و کشور بسته زندگی نمی‌کنند تا با بایدها و نبایدهای فردی بشود آن‌ها را رستگار کرد، هر فردی برای خود عالمی و جهانی است بنشسته در گوشه‌ای دارد. این است که ما اکنون؛ افزون بر جامعه‌پذیری روحانیت، نیاز به جهان‌فهمی و شناخت جریان‌ات جهانی در همه بودها و نمودهایش داریم. بدون چنین شناخت‌ها و دانایی‌ها نه تنها جامعه را به آرمان‌ها و ارزش‌های الهی و انسانی نمی‌توانیم فرا بخوانیم؛ بلکه سردرگمی و بدفهمی جایگاه اجتماعی و جهانی روحانیت حرکت ما را در صراط غیر مستقیم قرار خواهد داد. فهم نادرست جامعه و مناسبات و نقش‌گذاران و گونه داده‌ها و فرهنگ آن به جای حرکت در صراط «انعمت علیهم»، به وادی گمراهی؛ چه بسا مغضوبین الهی در خواهیم افتاد. امروز شناخت مغضوبین بدون شناخت نقشه‌های هزار رنگ استکبار جهانی و صهیون نشاید.

حوزویان برای این که بتوانند رسالت صنفی خویش را درست انجام دهند و در جوامع نقش‌گذار باشند؛ بایست دوره تاریخی‌ای را که در آن زیست می‌کنند، ژرف‌کاوی کنند. روزگار ما دوره آخرالزمان است، در این دوره افراد و جامعه در

ساخت جهان‌وطنی خودبنیادند؛ با این که زندگی تک‌سلولی دارند؛ ولی در کار نقش‌پذیری و نقش‌گذاری از جهان و در جهان‌اند. متون دینی از کنج مدرسه‌ها در سپهر جهان پهن شده است، آخرالزمان دنیای جمع‌اضداد است، آخرالزمان دوره ویژه‌ای از تاریخ بشر است که با دوره‌های پیش از آن تفاوت‌های فراوانی دارد. این تفاوت‌ها را ادیان و مذاهب به پیروان‌شان گوشزد کرده و دشواری دین‌داری در آن دوره فرادید دین‌داران و موحدان تاریخ قرار داده‌اند. هم در متون *انجیل* و *تورات* و هم در منابع روایی اسلامی و شیعی، ویژگی‌هایی برای این دوره از تاریخ برشمرده‌اند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در چند روایت، ویژگی‌های فرهنگی و دشواری دین‌داری در آخرالزمان را در ۱۴۰۰ سال پیش بیان کرده‌اند و به پدران نسبت به ایمان فرزندان‌شان و نسل جوان هشدار داده‌اند. روایات بسیاری درباره آخرالزمان که به آن‌ها در فرهنگ حدیث «النهاية في الفتن والملاحم» گفته می‌شود، که در برخی از آن‌ها، سیمای فرهنگی آن دوره چنین آمده است:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ بَطُونُهُمْ أَهْلُهُمْ وَ نِسَاؤُهُمْ قَبْلَهُمْ وَ دَنَائِيَرُهُمْ دِيْنُهُمْ وَ شَرُّهُمْ مَتَاعُهُمْ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا أَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا رِئْضُهُ وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا دَرْسُهُ مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ وَ

قُلُوبُهُمْ خَرَابٌ عَنِ الْهُدَى ...^۳

دوره‌ای می‌رسد که مردم آن دوره، معبودشان شکم‌شان است و زنان‌شان قبله‌شان و دین‌شان پول‌شان و افتخارشان ثروت‌شان می‌باشد، در آن دوران بیشتر مردم ظاهرگرایند، از ایمان تنها اسم آن و از اسلام فقط نوشته آن در اسناد و شناسنامه و از قرآن یادگرفتن الفاظ آن مسجدها بسیار آباد و شیک؛ ولی دل‌ها از پیام‌ها و باورهای الهی خالیست».

و در روایت دیگری است، که در این زمان پای‌وری بر دین و نگاه-داشت عملی دین؛ چونان آتش سوزان در کف دست نگاهداشتن است، نیز در روایتی دیگر رسول اعظم ﷺ پس از این‌که ویژگی‌هایی از دوره آخرالزمان را می‌فرماید؛ جناب مقداد می‌پرسد،

مؤمنان آن زمان چه کنند، می‌فرماید: «إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ، كَقَطْعِ الْإِلِّ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»^۴ آن‌گاه که فتنه‌های گمراه‌گر؛ چونان پاره‌های شب تاریک شما را در خود پیچید، به قرآن پناه برید، قرآن را بفهمید، پیام‌هایش را به مردم برسانید و سبک زندگی فردی و اجتماعی‌تان را قرآنی کنید.^۵

امروز هم خلوت علمی

حوزه‌ها در ویتترین نگاه جهانیان قرار گرفته است و متون و منابع دینی از کنج مدرسه‌ها و کتاب‌خانه‌ها بیرون آمده و در سپهر جهانی، پهن شده است و هم چشم‌ها به خلوت عملی و رفتاری روحانیان خیره شده است و هم کوچک‌ترین اشتباه عملی و رفتاری در کوتاه‌ترین زمان در جوامع جهانی پژواک می‌یابد.

دشمنان اسلام و روحانیان در گذشته هم شناخته‌شده بودند و هم میدان کارشان محدود بود؛ ولی امروز هم ناشناخته‌اند و هم با بهره‌وری از رسانه‌های نوین، از دورترین گوشه زمین، حضوری پراثر در نوع زندگی و ذائقه مردم دارند. دیروز مردم دین‌دار تنها مرجع دین‌ورزی‌شان حوزه‌های علمیه و مراجع بزرگوار بودند؛ ولی اکنون هم به خودمرجعی رسیده‌اند و هم از بُرد هدایت‌گرایی روحانیان، بیرون‌اند.

دیروز مراجع باب دین و دین‌داری و چگونگی سلوک دینی بودند و امروز از راه هوش مصنوعی به بهترین داده‌های دینی و مذهبی در همه لایه‌های آن دست می‌یابند. آنان می‌توانند در تفسیر، کلام، اعتقادات، اخلاق، فقه و شریعت بهترین داده‌ها را برگزینند. چه کنیم:

دوره‌ای می‌رسد که مردم آن دوره، معبودشان شکم‌شان است و زنان‌شان قبله‌شان و دین‌شان پول‌شان و افتخارشان ثروت‌شان می‌باشد، در آن دوران بیشتر مردم ظاهرگرایند، از ایمان تنها اسم آن و از اسلام فقط نوشته آن در اسناد و شناسنامه و مسجدها بسیار آباد و شیک؛ ولی دل‌ها از پیام‌ها و باورهای الهی خالی‌ست.

یکم: در این روزگار دین‌بانان و مروجان و داعیان دین و دین‌داری؛ بایست خود را به مردم عرضه کنند و فروتنانه به سراغ آن‌ها بروند و متاع فطرت‌پذیر قرآنی را در فضاهای ابری و جهانی به نمایش گذارند. این است که میدان کار روحانیان از فضای بسته محله و مسجد و حسینیّه و جوامع محدود شهری به سپهر جهانی هجرت کرده است، همه زوایا و خلوت زندگی حوزویان میدان کارزار دشمن و زیر ذره‌بین و نگاه تیز و مسموم آنان است.

بر این اساس شناخت زمان و زبان جهان و جامعه و مردم و ابزارهای دین‌بانی و گسترش آموزه‌ها و داده‌ها و ارزش‌های قرآنی زیرساخت و سنگ زیرین بنای دین‌بانی و تبلیغ و گسترش ارزش‌های الهی و وحیانی است؛ از این رو حوزویان امروز هر کار و گفتار خویش را نخست باید در سپهر ذهن جهانی ببینند و خوب و بد و پژواک آن را در آن میدان برسنجند و سپس با

شیوه‌هایی درخور آن، وارد عمل شوند تا کارشان برای مردم سودمند و کارکردشان نقش‌گذار باشد.

دوم: سنگ زیرین جوامع قسط و عدالت است که «العدل اساس» نه تنها با عدل جامعه برین می‌گردد

که قوام آسمان و زمین بر عدل است «بالعدل قامت السموات والأرض»^۶ عدالت در همه ساحت‌های آن، هدف همه انبیا و مصلحان اجتماعی، سیاسی و دینی بوده است و این اصل باید استیل و جانمایه دعوت و حرکت و جهت و رویکرد داعیان دین و حوزه علوم دینی باشد. بزرگ‌ترین عامل محرک انقلاب عدل و عدالت و حکومتی بر اساس عدالت بود، واگرایی مردم از رژیم شاهنشاهی برای ناراستی، اشرافی‌گری و بی‌عدالتی آن بود. آنان در سیمای این انقلاب عدل علوی، ایثار حسینی و صداقت و راستی سلمان و ابوذر را می‌دیدند و عزت محرومان و ستم‌دیدگان، را بارها امام خمینی ره فرمود؛ این انقلاب پابرهنگان و مستضعفان است نه اشراف و خوش‌نشینان.

استاد معارف به علوم علوی و رونده سلوک جعفری شادروان علی‌آقای حکیمی - قدس الله نفسه الزکیه - در درس‌هایی که پیش از انقلاب برای این‌جانب داشت می‌فرمود: روحانیت باید

بر مدار دردهای مردم حرکت کند و در جایگاه درد مردم بنشیند، از درد مردم به درد آید و از رنج، جهل و تهیدستی مردم خواب از چشمش ربوده شود، نیز می‌فرمود: هر عالم دینی که بیشتر درد مردم داشته

حوزویان آن‌گاه رسالت وراثت انبیایی‌شان را درست انجام خواهند داد؛ چونان نبی و وصی علیه السلام از درد مردم دردمند شوند. درد ضلالت، درد حیرت، درد گمراهی و درد خسران و زبانی که از شرک و بی‌ایمانی جامعه را بی‌فروغ کرده است.

باشد، حرکتش راست‌روانه‌تر و سخنش اثرگذارتر خواهد بود.

حوزویان آن‌گاه رسالت وراثت انبیایی‌شان را درست انجام خواهند داد؛ که چونان نبی و وصی علیه السلام از درد مردم دردمند شوند. درد ضلالت، درد حیرت، درد گمراهی و درد خسران و زیبایی که از شرک و بی‌ایمانی جامعه را بی‌فروغ کرده است، رسول اعظم صلی الله علیه و آله؛ آن‌چنان در هدایت و دستگیری مردم ناآرام و پای‌ور بود که خداوند به او فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله، تو داری برای هدایت و خوشبختی مردم خود را نابود می‌کنی، تورا را نشان بده، تو رسالت خود را درست ابلاغ کن و برسان. نمود رخشان این دردمندی، ناله‌های شبانه امیر موحدان و سرکشی شبانه به خانه‌های یتیمان و بیوه‌زنان است، برای همین گفته‌اند هر که درش بیشتر است به پیامبر و اولیای الهی نزدیک‌تر است و «الْبَلَاءُ لِلْوَلَاءِ».^۷

سوم: بیشتر بشنویم، پای درددل مردم بنشینیم، تنها یک‌طرفه حرف نزنیم، زیاد حرف زدیم و کم شنیدیم. رسول اعظم صلی الله علیه و آله با این‌که مأمور ابلاغ بزرگ‌ترین دین آسمانی بود و خط اصلی حرکتش و هدایتش انذار و تبشیر بود، چنان بردبارانه به درددل مردم گوش فرا می‌داد که کفار به ستوه آمده و بر این کار حضرت خُرده می‌گرفتند. در قرآن آمده است که برخی کفار می‌گویند: او فقط گوش است، به پیروان

قرآن بگو؛ گوش‌بودن و با بردباری حرف دل مردم را شنیدن بهتر است برای شما؛ زیرا قلب آن‌ها با زدن حرف دلشان آرام می‌شود و آماده برای شنیدن وحی و آموزه‌های دین می‌کردند «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ».^۸

پیامبر هم که «طَيْبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ»^۹ است، درد طرف را می‌شناسد و با ارائه نسخه‌ای درخور آن درد، شفای جان و دل‌شان می‌گردد «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ».^{۱۰}

چهارم: پرهیز از خودشیفتگی و تکبر هم خدا را به خشم می‌آورد و هم مردم را می‌رماند. رفتار فروتنانه و دل‌خاشع، رمز دلربایی و جذب مردم است. عالم دینی آن‌گاه که فروتنی را با بردباری همراه کند می‌تواند هم جامعه را به سوی خدا و ارزش‌های الهی ببرد و هم بستر و زمینه نقش‌گذاری آموزه‌های وحیانی را گسترده کند. در روایت آمده است «لَا عِلْمَ لِمَنْ لَا حِلْمَ لَهُ».^{۱۱} آن‌که حلم و بردباری ندارد در حقیقت علم و دانایی هم ندارد، چون با تکبر و خودشیفتگی علم در جهان ذهنی او زندانی می‌شود و هیچ پژواکی در جامعه پیدا نمی‌کند. در روایت دیگر آمده است آن‌که نزد خدا دل-شکسته و فروتن باشد، دل‌ها آماده پذیرش او می‌شود. برای همین است که خداوند به رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَلَوْ كُنْتُ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأْتَفَضَّوْا مِنِّي حَوْلَكَ».^{۱۲}

هان ای مؤمنان؛ چرا سخنانی را می‌گویید که خود عمل نمی‌کنید. خداوند سخت خشمگین می‌شود از این‌که چیزی بگویید و دیگران را به آن فراخوانید ولی خودتان آن را به جای نیاوردید.

پنجم: روحانیان؛ بایست بهترین نماد و نمود دین‌داری و پاسداری رفتاری از ارزش‌های الهی باشند، آن را که از مردم می‌خواهند و مردم را به سوی آن‌ها فرا می‌خوانند در رفتار و سلوک و سبک زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی‌شان آشکار و پرنمود باشد.

خداوند عالمان بی‌عمل را چنین خطاب می‌کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛^{۱۳} هان ای مؤمنان؛ چرا سخنانی را می‌گویید که خود عمل نمی‌کنید. خداوند سخت خشمگین می‌شود از این که چیزی بگویید و دیگران را به آن فرا بخوانید ولی خودتان آن را به جای نیاوردید.

در روایت است عالم بی‌عمل پند و موعظه و نصیحتش بر دل‌ها نمی‌نشیند: «زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ»^{۱۴} و چونان درختی بی‌بار است. و «الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ، كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ» کسی که می‌خواهد بر منصب رهبری مردم بنشیند، باید مرجع دینی یا آموزگار ارزش‌های الهی باشد، نیز بایست نخست نفس خود را بر آن آموزه‌ها و ارزش‌ها وابدارد: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»؛^{۱۵} آن که به میدان رهبری دینی، سیاسی و اجتماعی امامت جمعه و جماعت پا می‌گذارد بایست نخست نفس خود را تربیت کند و به آموزه‌ها و ارزش‌های الهی بیاراید. «هر آن که در عمل، احکام و دستورهای الهی را با جان و دل پذیرا باشد، آفریده‌های هستی و دل‌های مردم پذیرای سخن و راه و روش او می‌شوند.

در این باره آموزه‌ها و سخنان بسیاری از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، رسیده است که در این نوشته نگنجد تنها به یک روایت از امام حسن عسکری علیه‌السلام درباره ویژگی‌های وارثان انبیا و نایبان اوصیا که خط اصیل امامت را فراراه پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در دوران غیبت کبرا قرار می‌دهد و عالمان، هادیان و راهبران حقیقی را به آیندگان شناسانده و خط اسلام ناب را در درازنای تاریخ تا ظهور عدالت گستر جهان، فراروی و فراراه مسلمانان قرار می‌دهند، بسنده می‌کنیم: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُحَالِفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوهُ».^{۱۶}

فقیهی شایسته اقتدا و مرجعیت دینی است که واردات نفسش را دروازه‌بانی کند و آن را از هر آلودگی نگاه دارد، عالمی شایسته پیروی است که توانایی نگهبانی دین و مدیریت جوامع دینی را در دوره غیبت داشته باشد، مرزهای اعتقادی و فرهنگی امت اسلامی را رصد کند و از شبیخون دشمن به باورها و ارزش‌های اسلامی و گمراه کردن نسل جوان نگاه دارد و همه راه‌های کور و پنهان ورود دشمن را دیده‌بانی کند و راه را بر نفوذ دشمن در دل و فکر مردم و جامعه ببندد. این جز با پانهادن بر سر هوا و هوس و حرکت بر مدار فرامین و ارزش‌های الهی و سلوک قرآنی و پیروی نظری و عملی از خط امامت و ولایت نشاید.

آورید. آنان در این حال راهزنان امت من اند نه هادیان به آن. در این مهم هم داده‌های ارزشمند و انسان‌ساز و جامعه‌پردازی از پیامبران و امامان علیهم‌السلام داریم و رهنمودهای بسیار راهبردی در چگونگی روی‌آوری و واگرایی مردم از دین و عالمان دینی که آن را به گاهی دیگر وا می‌نهییم: «لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا»^{۱۸}. کوتاه سخن آن‌که روحانیان شیعه در روزگاری تلخ و شیرین و دشوار و رخشان، راهی بسیار باریک و بُرنده و جهانی‌پر از فرصت و تهدید فرارو دارند که باید تلاش و سبک زندگی و سلوک آنان برازنده جامعه دینی باشد و روزبه‌روز به کارگزاری جامعه دینی نزدیک و نزدیک‌تر شوند و با دیدگاهی فراخ و تراز و درخور،^{۱۹} هدایت امت اسلامی و گسترش جهانی دین و ارزش‌های دینی را پاس دارند و در این دوره دیجورِ فترت، حیرت، فتنه و یأس با دعوت بُروز و تراز و درست خویش به مصاف فترت و کمبودها روند و فاصله میان ذهن جامعه و حقایق دین را در قالب‌های دلپذیر و دل‌ریا پر کنند و با نشان دادن زیبایی‌ها و آموزه‌ها و معارف فطرت‌پسند مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به مردم دنیا، به مصاف حیرت‌ها و سرگردانی‌هایی که از ویژگی‌های آخرالزمان است بروند و با دفاع همه‌جانبه و جامعه‌پذیر به مصاف فتنه‌هایی که ذهن و روان مردم

ششم: در قلّه همه این ویژگی‌های روحانیان، وارستگی و پیراستگی از دنیا و دوری از اشرافی‌گری و تجملات است. روحانیان همان‌طور که دعوت‌شان به بهره‌گیری از دنیا و نعمت‌ها و بهره‌های آن برای آخرت است؛ بایست در سبک زندگی خودشان رنگ و آهنگ آخرت پرنمود باشد. دانش دین و علوم انسان‌ساز الهی با تشریفات و تعلقات و تجملات راست نیاید. با وارستگی از همه آرایه‌های دل‌رای دنیایی است که نور دانش و دانش‌های نورانی و بالنده سازوجان‌پرور و ذهن‌گستر در قلب و فکر انسان می‌تابد.

عالم دینی و قرآنی با دنیا در دو سوی کمال و انحطاط‌اند. ذات دنیا، بازی، بیهوده‌گری، فریفتگی و تفاخر با داشته‌های آن به مردم و ثروت‌اندوزی است که بسیار لرزان و بی‌دوام و نابودشدنی است:

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهَوٌّ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُزٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا»^{۱۷}.

رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: علمای دین و دانش‌آموختگان حوزه امین‌های پیامبرانند در فهم درست دین و ابلاغ و گستردن راستین آن، تا گاهی که دنیاگرا نشده‌اند، اگر دنیاپرست شدند، دین‌تان را از آن‌ها نگیرید و آنان را لکه ننگی بر سیمای پرفروغ دین به شمار

را پریشان و توانمندی دین را در اداره زندگی بشر با تردید روبه‌رو کرده است، بروند و گروه‌های کور را از دل و دین و ذهن مردم بگشایند و پاک‌دینان؛ به‌ویژه جوانان و نوجوانان جهان را از طوفان فتنه و هوا و هوس‌ها برهانند.

با بیان و برنمودن تلاش‌های مخلصانه عالمان مجاهد و خدمات و دستاوردهای نظام اسلامی به میدان مبارزه با ویروس ویرانگر و ایمان‌شکن یأس بروند و مردم را از افتادن در دره هولناک ناامیدی نجات بخشند و در این چهار عرصه و چهار تهدید به مهندسی اجتماعی پرداخته و با شناخت دقیق و بهره‌برداری درست از ظرفیت‌ها، ظرفیت‌ها، راهبردها، آموزه‌های فرهنگی و دینی و اخلاقی و اعتقادی را در رگ‌ها و لایه‌های جان مردم و جوامع جهانی جاری سازند.

در این شماره برخی داده‌ها در «منزلت اجتماعی روحانیان» و تهدید و فرصت‌های فراروی حوزویان پرداخته‌ایم و «إن شاء الله» در شماره دیگر «روحانیت و سرمایه‌های اجتماعی» آن را بر میز بررسی و واریسی قرار خواهیم داد. بمنه و کرمه و فضله.

پی‌نوشت:

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۲/۲۰.
۲. مانده، آیه ۳۲.
۳. محمد شعیری؛ جامع‌الاکابر؛ ج ۱، ص ۱۲۹.
۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ ترجمه اصول کافی؛ ج ۲، ص ۴۵۹ و شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲، ص ۱۷۱.
۵. محمد شعیری؛ جامع‌الاکابر؛ باب ۸۸، حدیث ۲.
۶. میرزا محمد قمی مشهدی؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ ج ۱۲، ص ۵۶۱.
۷. محمد بن یعقوب کلینی؛ ترجمه اصول کافی؛ ج ۲، ص ۱۰۹، ۲۵۲-۲۵۳. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۳، ص ۲۵۲ و ۲۶۳؛ ج ۱۲، ص ۱۷۵.
۸. توبه، آیه ۶۱.
۹. صبحی صالح؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۱۰۸.
۱۰. اسراء، آیه ۸۲.
۱۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۱، ص ۷۸۳.
۱۲. آل عمران، آیه ۱۵۹.
۱۳. صف، آیات ۲-۳.
۱۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ ترجمه اصول کافی؛ ج ۱، ص ۴۴.
۱۵. نهج البلاغه؛ کلمه قصار ۷۳.
۱۶. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۷، ح ۱۰.
۱۷. حدید، آیه ۲۰.
۱۸. طلاق، آیه ۱.
۱۹. أَلْفَقَهَاءُ أَمَنَاءِ الرُّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا دُخُوهُمْ فِي الدُّنْيَا قَالَ إِتِّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَأَحْذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ (محمد بن یعقوب کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۱، ص ۴۶).

منابع:

*قرآن کریم.

**نهج البلاغه.

۳. عاملی، شیخ حر؛ وسایل الشیعه؛ ج ۲، ۳، ۱۲ و ج ۲۷، ح ۱۰، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.

۴. قمی مشهدی، میرزا محمد؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ ج ۱۲، قم: انتشارات دارالغدير، ۱۳۸۱.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ ترجمه اصول کافی؛ ج ۱، ۲، تهران: قائم آل محمد، ۱۳۸۵.

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و درر الکلم؛ ج ۱، چ ۲، قم: دار الكتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

۲. شعیری، محمد؛ جامع الاخبار، باب ۸۸، ج ۲، ۱، چ ۱، نجف: مطبعة حيدرية، بی تا.

